

از دیوار مرگ تارستگاری

گفت و گو با ۲ جوان برزیلی و کلمبیایی تازه مسلمان شده که موتور سواران دیوار مرگ بودند درباره دلایل این تصمیم، واکنش ها، حس و حال این روزهای شان و ...

صادق جهانی | روزنامه نگار



شاید بتوان یکی از دلایل گرایش غیرمسلمانان به اسلام را عناصر قلبی، احساسی و عاطفی موجود در این دین در عرصه عمل به شمار آورد که هر انسان آزاده و آزاده خواهی را به سمت این دین بزرگ و معنوی می کشاند. بعد از تحقیقات و سیر مطالعاتی درباره اسلام، حدود دوماه پیش، دو جوان از آمریکای جنوبی (لاتین) افتخار بزرگ گردیدن به دین اسلام در امامزاده صالح (ع) نصیب شان شد. یکی از این دو، چیکینو ۲۹ ساله برزیلی است. او که از نوجوانی تجربه موتور سواری در کره وحشت سیرک را دارد، یک روز برای اجرای حرکات آکروباتیک خود تصمیم می گیرد به تهران سفر کند و در مدت حضورش با دوستان ایرانی آشنا می شود و به واسطه آن ها پس از چهار سال مطالعه و تحقیق به اسلام شیعی رومی آورد. کارنامه افتخار چیکینو به مسلمان شدن خودش خلاصه و محدود نمی شود و او در این راه، رفیق و همکار کلمبیایی خود، ویکتور را هم همراه می کند و او را به دین اسلام دعوت و در نهایت با اقناع وی، ویکتور کلمبیایی هم مسلمان می شود. چیکینو که نام محمد و ویکتور هم که نام حسین را برای خود برگزیده اند، در گفت و گو با زندگی سلام از نحوه آشنایی شان با کامل ترین و بهترین دین، دلیلی و انتخاب آن و ... بیشتر برایمان می گویند. این را هم بگوییم در گفت و گو با این افراد، حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا خراسانی و میلاد ثانی، فعال فرهنگی زحمت تر جهره را عهده دار شدند.



در همین مدت کوتاه مسلمان شدیم عاشق امام علی (ع) شدیم

محمد (چیکینو) در ادامه به طور مشخص از دلایلی می گوید که او را مجذوب دین اسلام کرده است: «تضادهایی که قبلاً در رسانه های خارجی درباره اسلام شنیده بودم با چیزهایی که در خود ایران دیدم کاملاً متفاوت بود و همین تضادها باعث شد بیشتر به دین اسلام گرایش و علاقه پیدا کنم. قبل از تشریف به این دین، دوستان ایرانی ام مقالات و کتاب هایی را که درباره اسلام به زبان برزیلی ترجمه شده بود، به من تقدیم و مطالعه شان کردم و در نهایت دین اسلام را انتخاب کردم. الان هم در حال مطالعه همان کتاب ها و در کنارش مشغول مطالعه تاریخ اسلام هستم. در همین مدت کوتاه مسلمان شدیم، عاشق امام علی (ع) شدیم و کتاب نهج البلاغه ایشان را هم خواندم.»

برادرم در برزیل فیلسوف تاریخ است

شاید با خود بگویید: مانی که خانواده محمد از تصمیمش برای تغییر دین و مسلکش مطلع شدند چهواکنشی داشتند؟ اومی گوید: «برادرم در برزیل فیلسوف تاریخ است. مسلمان نیست ولی درباره اسلام زیاد مطالعه می کند. زمانی هم که این قضیه را با برادرم در میان گذاشتم، او از کتابخانه اش کتاب قرآن را برایم فرستاد و به من گفت من هم با این کتاب غریبه نیستم و همیشه مطالعه اش می کنم و اتفاقاً مرا به انتخاب دین اسلام تشویق کرد. دیگر اعضای خانواده هم از این تصمیم استقبال کردند.» چیکینو حرکات دلاورانه و تلاش باورنکردنی خود با موتورسیکلت را تاکنون بر دیوار مرگ بسیاری از کشورهای دنیا به نمایش گذاشته است. چنین افرادی به طور طبیعی هوادارانی دارند که کارها برنامۀ هایشان را دنبال می کنند. از وی می خواهم درباره واکنش هوادارانش هم به این انتخاب بگویم: «وقتی به طور رسمی اعلام کردم مسلمان شده ام، طرفدارانم در خارج از کشور، از تصمیم استقبال و به من اظهار لطف کردند. به خاطر دارم در برزیل فقط یک نفر به من گفت چرا این کار را کردی و بعد هم قانعش کردم.»

قصه دارم با یک دختر ایرانی از دواج کنم

«ااشاء... قصد دارم در آینده با یک دختر ایرانی ازدواج کنم.» محمد با این مقدمه کوتاه از تصمیمش برای ازدواج در ایران با دختری مسلمان می گوید: «فعلاً دختری را برای خودم در نظر نگرفتم، در واقع نتوانستم دختر مورد علاقه ام را پیدا کنم. اما نکته مهم این که خانواده همسر آینده ام خیلی برایم مهم است، یعنی همسر حتماً باید در محیط خانواده بزرگ شده باشد تا بعدش هم بتواند تربیت درست را به بچه هایش منتقل کند. در مجموع یک دختر خانواده دار ایرانی می خواهم که با فرهنگ ایران تربیت شده باشد.»



اولین نماز، انرژی فوق العاده ای به من داد

تازه مسلمان برزیلی پس از اسلام آوردنش تصمیم می گیرد نام پیامبر رحمت، حضرت محمد (ص) را به عنوان نام جدیدش انتخاب کند. اومی گوید: «نام محمد را انتخاب کردم چون بیشتر دوستان ایرانی ام به نام محمد بودند و از این نام گذاری حس خیلی خوبی دارم و زمانی هم که دیگران با این نام صدایم می کنند، لذت می برم. اولین نماز مرا در امامزاده صالح (ع) خواندم و در آن لحظه انرژی فوق العاده مثبتی به من دست داد و احساس کردم تمام انرژی های منفی که از قبل داشتم، از من دور شدند.» او همچنین در صحبت هایش به وضعیت گرایش مردم برزیل به اسلام و رشد دین اسلام در کشورش هم اشاره می کند و می گوید: «از زمانی که بعضی طلبه ها در برزیل مشغول تبلیغ دین اسلام هستند، احساس می کنم گرایش مسیحیان برزیلی به اسلام روز به روز بیشتر شده است.»

خونگرمی ایرانی ها در بین اروپایی ها نیست

وی از ویژگی های ناب اخلاقی ایرانیان می گوید که در مردمان ۲۴ کشور دیگری که به آن جاسفر کرده، کمتر دیده است: «هر جایی آدم خوب و بد دارد ولی ایرانی ها خیلی خوب هستند. زمانی که ایرانی ها من را به عنوان یک فرد خارجی دیدند و به کمک شان نیاز داشتم، تا زمانی که مشکلم حل نمی شد، رهایم نمی کردند. مهمان نوازی شان هم که بازنده است، در صورتی که اروپایی ها اصلاً این طور نیستند. خونگرمی که در مرد ایران دیدم، در مردم اروپا ندیدم ولی روابط اجتماعی ایرانی ها خیلی قوی است. در ایران مهم نیست که پول داری یا نه، وقتی باهم دوست هستید، بدون هیچ توقعی دوست هستید ولی در کشورهایی که من سفر کردم، باید سطح مالی افراد به یک اندازه باشد تا بین شان دوستی ایجاد شود. بهتر بگویم معنویت خاصی در روابط ایرانی ها با همدیگر وجود دارد. در کشورهایی که من سفر کردم، مخارج زندگی کاملاً دنگی دنگی است و کمتر همدیگر را مهمان می کنند ولی در ایران این مورد را کمتر دیدم.»

می خواهم در اینستاگرام برای ایران و اسلام تبلیغ کنم

محمد از یک هدف مهمش در آینده هم می گوید: «در حال راه اندازی پیجی در اینستاگرام هستم تا چهره واقعی ایران و اسلام را برخلاف چیزهایی که دیگران به اشتباه منتقل می کنند، حداقل به دوستان برزیلی خودم معرفی و آن ها را قانع کنم که ایران امنیت خوبی، طبیعت، مکان های تاریخی و گردشگری زیبایی دارد. خودم از میان شهرهای ایران، اصفهان و میدان امام خمینی این شهر را خیلی دوست دارم. می خواهم در حد توانم مبلغ دین اسلام در جهان شوم.»

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۹
۱۶ جمادی الثانی ۱۴۴۲ • ۳۰ ژانویه ۲۰۲۱
شماره ۳۰۵۸۷

۱۸۰۷

خدا دوست مان داشت

که مسلمان شدیم

داستان ویکتور که مانند محمد مسیحی کاتولیک بوده کمی فرق می کند. او متاهل است و مدام در گفت و گو با ما از فراق، دوری اش از خانواده و دلتنگی هایش می گوید. او داستان مسلمان شدنش را این طور روایت می کند: «من یک سال بعد از محمد به دین اسلام روی آوردم و مانند او در کره وحشت کار می کردم. وقتی شنیدم محمد مسلمان شده، اولش خیلی به دلم نشست اما بعد از این که مقالات و کتاب هایی را که دوستان به من معرفی کردند، خواندم، به قول ایرانی ها ۱۸۰ درجه نظرم برگشت و تصمیم گرفتم به اسلام و مذهب تشیع مشرف شوم. نزدیک ترین چیزی که برای دلیل تشریف به اسلام می توانم به آن اشاره کنم، این است که ما هم حضرت مسیح (ع) را قبول داریم، مطلبی که در قرآن مجید هم به آن اشاره شده است. بنابراین نزدیکی این دو دین را به همدیگر احساس کردم و هیچ تضادی بین دین مسیح و اسلام ندیدم و همین که اعتقاد مسلمانان به حضرت مسیح (ع) و حضرت مریم را دیدم تضادها از ذهنم پاک



شد و اتفاقاً اسلام را دین کامل تری دیدم. هم من و هم محمد، معتقدیم که خدا دوست مان داشت که مسلمان شدیم.» او که نام امام حسین (ع) را برای خود برگزیده است، درباره انتخاب این نام هم می گوید: «زمانی که قرار شد مسلمان شوم، بدون هیچ تردیدی نام حسین را برای خودم انتخاب کردم. در واقع زمانی که ماجرای کربلا را شنیدم، عاشق امام حسین (ع) شدم و خیلی تحت تاثیر قرار گرفتم.»

همسر مسیحی است و با مسلمان شدن من مشکلی نداشت

«سال هاپیش از دواج کردم و دو فرزند دختر به نام های پاتولا و شری دارم.» حسین با این مقدمه به واکنش همسرش، مردم کلمبیا و هموطنانش به مسلمان شدنش این طور اشاره می کند: «همسر مسیحی است و هیچ مشکلی با این قضیه نداشت و از تصمیمم استقبال کرد. مردم کشورم هم همین طور، چون در کلمبیا خیلی آزاده زندگی می کنند و کاری به اعتقادات همدیگر ندارند بنابراین در مقابل این تصمیم جبهه نگرفتند و این جور چیزها را یک مسئله شخصی می دانند. یک نکته هم خیلی برایم جالب است، این که در اسلام زن و مرد اول از دواج می کنند، به همدیگر محرم و بعد از آن بچه دار می شوند ولی متأسفانه چنین قانونی در کشور کلمبیا وجود ندارد. در کلمبیا برخی اول بچه دار می شوند و بعد از آن با همدیگر از دواج می کنند.»

شاید من پنجمین یا ششمین مسلمان کلمبیا باشم

حسین صحبت هایش را این طور به پایان می رساند: «در کلمبیا تعداد مسلمانان خیلی کم و انگشت شمار است. به نظرم من در سراسر کلمبیا پنجمین یا ششمین مسلمان این کشور باشم. مطمئنم اگر بیشتر افرادی که از کلمبیا مهاجرت می کنند، در مسیر درست قرار گیرند، مسلمان می شوند. این را هم بگویم زمانی که اولین نماز مرا در امامزاده صالح (ع) اقامه کردم، حالی توصیف نشدنی از برقراری ارتباط با خداوند گرفتم. در مجموع این که می توانم در هر زمان و مکانی با خداوند ارتباط برقرار کنم خیلی برایم جالب است. این را هم بگویم که اگر به کلمبیا برگردم، تبلیغ دین اسلام را می کنم تا قدمی در این راه پر خیر و برکت برداشته باشم.»

مبلمان
مجلل
برترین
برند
معتبر

قابل توجه
فروش فوق العاده مبلمان محلل
تسهیلات ویژه برای کارمندان
جمعها فروشگاه باز است

آدرس: مشهد، خیابان سناباد، بین سناباد ۴۸ و ۵۰
تلفن: ۳۸۴۳۴۳۴۱ و ۳۸۴۰۶۰۹۳